

شهر و ساختار آن از منظر ابوعلی سینا

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۱۹

حمیدرضا صارمی^۱

محمدتقوی زواره^۲

چکیده

امروزه با گسترش مسائل و مشکلات پیچیده شهری، ضرورت توجه به راه‌حل‌های مرتبط با شهرهای ایرانی-اسلامی و منطبق با زمینه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی آشکار گشته‌است. در این میان، بررسی آرا و اندیشه‌های متفکران مسلمان می‌تواند راهگشای مسائل پیچیده موجود در شهرها باشد. حکیم ابوعلی سینا، اندیشمند بزرگ در جهان اسلام، در بسیاری جهات به تولید و بسط اندیشه‌های شهری کمک کرده‌است که در این بین، مفهوم مدینه عاده نقطه عطفی در نظریات مرتبط با مسائل شهری و شهرسازی وی می‌باشد. این پژوهش با هدف بررسی نظریات ابوعلی سینا در حوزه مسائل شهری و شهرنشینی، شناسایی ویژگی‌های یک شهر مطلوب و نیز ابعاد مرتبط با زندگی اجتماعی انسان‌ها در نظام شهری، به تبیین ابعاد و روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی جامعه شهری مورد نظر خود می‌پردازد. روش تحقیق در پژوهش حاضر تلفیقی از روش‌های تحلیل محتوا، قیاسی-توصیفی و نیز تحلیل علی و فرا تحلیل می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد وجود یک جامعه شهری سالم، مستلزم توجه به کلیه ابعاد و روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی می‌باشد؛ به طوری که نظام‌های یاد شده به‌عنوان یک کل وحدت‌بخش، مرتبط بوده و بر یکدیگر تأثیرگذار می‌باشند.

واژگان کلیدی: ابوعلی سینا، شهرسازی، شهر ایرانی-اسلامی، دیدگاه‌های شهری، جامعه شهری، مدینه عاده، آرمان‌شهر

۱. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس saremi@modares.ac.ir

۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه با بروز مسائل و مشکلات پیچیده شهری، رویکردها، انگاره‌ها و مفاهیم متفاوتی در زمینه‌های گوناگون مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. بیشتر مفاهیم و رویکردهای مطرح در ارتباط با مسائل شهری و نیز شهرسازی، ریشه در اندیشه‌ها و آثار متفکران غربی داشته و به‌عنوان مفاهیم وارداتی و برگرفته از اندیشه‌هایی که به مشکلات ایجاد شده در کشورهای غربی پاسخ گفته، مطرح می‌شوند. بهره‌گیری از این مفاهیم و نظریات، گرچه گاهی توانسته، به‌صورت محدود، راهکار مناسبی در جهت بهبود مسائل شهرهای ما باشد، اما نتوانسته پاسخ قطعی، درست و گره‌گشای مشکلات پیچیده نظام‌های مرتبط با شهر ایرانی-اسلامی باشد. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر، عدم تناسب راهکارها با زمینه مورد بررسی می‌باشد. بدین معنا که بسیاری از رویکردها و نظریات غربی، اساساً با شرایط شهرهای ایرانی-اسلامی از جمله شرایط فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی، تفاوت‌ها و تضادهای جدی دارند.

همچنین یکی از راه‌های درست و مناسب در راستای شناخت و عملی نمودن آموزه‌های اسلامی، مرور آثار، اندیشه‌ها و نظریات متفکران مسلمان می‌باشد. دلیل این امر آن است که این متفکران، جهت تدوین آرا و نظریات خود، از علوم و مباحث قرآنی، آیات، احادیث و دیگر آموزه‌های دین مبین اسلام بهره برده‌اند. بنابراین یکی از راه‌های غلبه بر مشکلات موجود در نظام شهرسازی و شهرنشینی امروز ما، استفاده از نظریات اندیشمندانی است که با توجه به مسائل و دغدغه‌های مرتبط با شهرهای ایرانی-اسلامی، راهکارها و راه‌حلهایی را به منظور خروج از چالش‌ها و مشکلات شهری و نیز اعتلای جایگاه شهرنشینی و شهرسازی ارائه کرده‌اند. به‌علاوه در دنیایی که ما امروزه در آن زندگی می‌کنیم، یکی از علائم و زنده بودن ملت‌ها التفات آنها به مفاخر گذشته خویش است و کمتر ملتی است که بتواند از گذشته خود صرف‌نظر کند و در تجلیل و علما و دانشمندانی که در سرزمینشان زندگی کرده‌اند، قصور ورزد؛ زیرا یکی از اسباب تشخیص ملت‌ها آرا و عقاید و آثار گران‌بهای گذشتگان آنان است که با وجود گذشت روزگار و پیشامد انواع حوادث، برای آیندگان به یادگار مانده‌است. ملت ایران که به لحاظ تاریخی روزگار کهنی را گذرانده‌است و باز به شهادت همان تاریخ، تمدن شگرفی را به وجود آورده‌است، در طی قرون متمادی، علما و دانشمندان کم‌نظیری تحویل جامعه بشری داده‌است که هر کدام از آنان به پیشرفت تمدن اسلامی ما، خدمات گران‌بها و بی‌نظیری نموده‌اند.

یکی از آن عالمان بی‌مثال و فضیلتی کم‌نظیر، فیلسوف و طبیب مشهور قرن چهارم، شیخ الرئیس ابوعلی سیناست که به شهادت محققین آسیایی و اروپایی، افکار و عقاید او قرن‌ها بر شرق و غرب عالم متمدن قدیم، حکمرانی نموده‌است.

بنابراین در بسط و گسترش اندیشه‌های شهری و شهرسازی با رویکرد اسلامی، ضروری است تا نگاهی به آرا اندیشمندان اسلامی و ایرانی انداخت و از خلال اندیشه‌های آنان، به تدوین اصول و مبانی شهرسازی و معماری ایرانی-اسلامی و ویژگی‌های شهر مطلوب اسلامی دست یافت. در این بین، نباید از آثار حکیم فرزانه، ابوعلی سینا یکی از اندیشمندان بزرگ جهان اسلام، غافل ماند. ابوعلی سینا در بسیاری جهات به تولید و بسط اندیشه‌های شهری کمک کرده‌است که در این بین، از اندیشهٔ مدینهٔ عادلۀ وی، نظراتش در باب جامعه‌شناسی سیاسی و روابط فرمانروا و مردم و غیره را می‌توان به‌عنوان اندیشه‌هایی شایان توجه یاد کرد. لذا پژوهش حاضر بر آن است تا گامی هرچند کوچک در جهت شناساندن افکار و آرا و نظرات ابن‌سینا در باب مسائل مرتبط با شهر و شهرنشینی و اجتماع بردارد.

اهداف و پرسش‌های تحقیق

با توجه به مواردی که مطرح گردید، مهم‌ترین اهداف این پژوهش عبارت است از:

- ۱- بررسی آرا و نظریات ابوعلی سینا در حوزه مسائل شهری و شهرنشینی
- ۲- شناسایی ویژگی‌های یک شهر مطلوب و نیز ابعاد مرتبط با زندگی اجتماعی انسان‌ها در

نظام شهری

می‌توان اظهار داشت که تبیین ابزارها و الزامات شهر ایرانی-اسلامی ضرورتی غیرقابل انکار است؛ چراکه هر زمینه و مکانی تحت تأثیر الزامات و ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی و اعتقادی خود رشد و اعتلا می‌یابد. بنابراین اهداف یاد شده در این پژوهش، در حقیقت، پرسش‌هایی است که این تحقیق به دنبال پاسخگویی به آنهاست. بدین منظور، این پژوهش به دنبال آن است تا بتواند در وهلهٔ اول، اندیشه‌ها و نظریات حکیم ابوعلی سینا در حوزهٔ مرتبط با مسائل شهری را استخراج نموده و در مرحلهٔ بعد، مهم‌ترین ویژگی‌های یک شهر مطلوب، که ابن‌سینا مدینهٔ عادلۀ می‌نامد، و نیز ابعاد تأثیرگذار بر زندگی اجتماعی انسان‌ها در مدینهٔ عادلۀ را شناسایی نماید.

پیشینه پژوهش

حکیم ابوعلی سینا صاحب آثار پربراری در زمینه‌ها و علوم مختلف می‌باشد. ابن‌سینا در ارتباط با علوم طبیعی، علوم ریاضی، علوم مرتبط با طب و پزشکی، اخلاق، فلسفه، زیبایی‌شناسی و نیز نبوت مباحث گوناگون و متفاوتی را مطرح می‌سازد. این مباحث نه تنها در زمان خود پیشتاز و غنی بوده، بلکه تا به امروز نیز در نوع خود بی‌نظیر و درخشان می‌باشد. امروزه، در خصوص علوم مختلف و حکمت‌های نظری و عملی مطرح شده توسط ابوعلی سینا، چندین کتاب، مقاله و دیگر آثار پژوهشی یافت می‌شود. لذا در این قسمت از پژوهش، به مهم‌ترین آثار و زمینه‌های علمی موجود که ارتباط بیشتری با تحقیق حاضر دارد پرداخته می‌شود.

پارسانیا و کاظمی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «نقش اجتماعی دین از دیدگاه ابن‌سینا»، به دنبال بررسی کارکرد و نقش دین در عرصه‌های مختلف جامعه از دیدگاه ابن‌سینا می‌باشد. این مطالعه ضمن بیان اینکه نوع نگاه و تبیین و تفسیر اندیشمندان و جامعه‌شناسان به دین و جامعه مختلف است، در ابتدا به تعریف دین و جامعه و رابطه میان آن دو از دیدگاه ابن‌سینا می‌پردازد و سپس کارکردهای دین در درون جامعه شهری را از دیدگاه ایشان بیان می‌دارد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ابن‌سینا، وجود دین را امر قدسی از جانب خدا دانسته و با بیان کارکردهای مختلف، آن را برای حفظ حیات و پیشرفت جوامع مختلف و سعادت اخروی لازم و ضروری می‌داند.

رحیمیان و زارعی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی مدینه عادلانه از منظر ابن‌سینا با تطبیق بر آرای فارابی»، با بررسی مدینه عادلانه از منظر ابن‌سینا و تطبیق آن بر آرای فارابی از سویی، تأثیر و تأثر و نیز مواضع خلاف و وفاق دیدگاه ایشان را آشکار می‌کند و از سویی دیگر، نقش و جایگاه اندیشه سیاسی ابن‌سینا را مشخص نموده و بیان می‌دارد که در مواردی نظیر مدنی بالطبع بودن انسان، هماهنگی نظام مدینه با نظام هستی، ابتدای مدینه بر پایه فضیلت، اخلاق و عدالت و منحصر بودن حاکمیت به صاحبان معرفت به حقایق عالم اعلی، بین دیدگاه ابن‌سینا با آرای فارابی شباهت‌هایی وجود دارد. درحالی‌که در مبحث رئیس مدینه و صفات او و نیز مراتب مدینه و جزئیات آن، راه این دو فیلسوف از هم جدا می‌شود. این مقاله همچنین بر این واقعیت تأکید می‌کند که ابن‌سینا براساس تکیه بر میراث فارابی، نبوت و سیاست، عقل و وحی و فلسفه

و شریعت، حکومت مطلوب خود را پایه‌ریزی می‌کند و جامعه‌ای را که با چنین حکومتی اداره می‌شود، مدینه عادلانه می‌نامد.

واحد فروغ و سخندان سرخابی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی آرمان‌شهر افلاطون و آرمان‌شهر اسلامی ابن‌سینا»، به دنبال دستیابی به اصول و معیارهای اساسی آرمان‌شهر یونانی و اسلامی و مقایسه آنها در نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی شهری می‌باشد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که عواملی نظیر وجود یک رهبر در رأس جامعه، تفکیک جامعه به سه گروه طبقاتی و نیز وجود عدالت و حکمت، از جمله مهم‌ترین اصول مشترک این آرمان‌شهرها به‌شمار می‌رود. در مقابل، عواملی همچون وجود مالکیت خصوصی در آرمان‌شهر ابن‌سینا، تفاوت‌های کالبدی و نیز عامل دین، مهم‌ترین وجوه افتراق میان آرمان‌شهرها را تشکیل می‌دهند.

مبلغی و محمدی کیا (۱۳۹۴) در مقاله «نگاهی به آرمان‌شهر سینوی»، به بررسی مؤلفه‌های شهر از دیدگاه ابن‌سینا و مطالعه ارتباط آنها با یکدیگر می‌پردازد. در این راستا، پژوهش فوق به ارائه توضیحاتی در خصوص مؤلفه‌های اصلی شهر سینایی از جمله تقسیم کار، سعادت، نظام اجتماعی شهر، تعاون (مشارکت)، سنت (قانون)، قرارداد و نیز عدالت می‌پردازد. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که آن روح کلی که مؤلفه‌های شهر سینوی را به یکدیگر پیوند می‌دهد و موجب پایداری نظم جامعه یا شهر می‌گردد شرع می‌باشد.

به‌طورکلی، این پژوهش در نظر دارد تا با استفاده از مفاهیمی که حکیم ابوعلی سینا در ارتباط با جایگاه شهر، شهروندان و نیز مسائل و ابعاد مرتبط با جنبه‌های شهری و شهرنشینی مطرح ساخته، ارتباط آرا و نظریات این اندیشمند مسلمان را با شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی و کاربردی، مطرح سازد.

یکی از موارد مورد توجه که جنبه نوآور و نیز وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر تحقیقاتی صورت‌گرفته می‌باشد، یافتن پاسخی برای مشکلات و چالش‌های امروز شهرهای ایرانی-اسلامی از طریق بررسی اصول و معیارهای یک شهر مطلوب ایرانی-اسلامی و با تأکید بر مباحث مطرحه توسط ابن‌سیناست. همچنین در پژوهش حاضر، تلاش گردیده تا آرا ابوعلی سینا را با رعایت اصل امانتداری در محتوای اندیشه آن، به صورت نظری و کاربردی وارد عرصه مطالعات شهری و شهرسازی نماید.

تعریف مفاهیم

در این بخش از پژوهش، به بیان مفاهیم، تعاریف و نیز ملاحظات نظری مرتبط با فرایند تحقیق پرداخته می‌شود. شناخت علم و اقسام آن از نظر هر متفکری، راهگشای ما به نظریات و نحوه نگرش او به چسبتهای علوم، جایگاه علوم و ارتباط علوم با یکدیگر است. ملاکی که هر فیلسوف برای تقسیم علوم دارد و تعریفی که برای هر یک ارائه می‌نماید، تصور او را از آن دانش و جایگاه آن را در میان سایر علوم نشان می‌دهد. از طرفی، به منظور بررسی دیدگاه‌های حکیم ابوعلی سینا در حوزه مسائل مرتبط با جامعه شهری و نیز شکل‌دهی به چارچوب مفهومی پژوهش، بررسی جایگاه علوم از منظر ابن‌سینا ضروری به نظر می‌رسد. ابن‌سینا در تقسیم‌بندی خورش هم‌مانند فارابی دست به تقسیم رشته‌های علمی می‌زند و براساس آن علوم را به دو دسته علوم نظری و عملی تقسیم می‌کند. بنابراین وی می‌کوشد تا با ارائه تقسیم‌بندی جدیدی تا حدی از مشکلات نظرات پیشینیان بکاهد و علوم بسیاری را در تقسیم خورش بگنجانند (عسگری سلیمانی امیری، ۱۳۹۳: ۱۲۰). ابن‌سینا علوم طبیعی، علوم ریاضی و نیز علوم الهی را در حکمت نظری، و اخلاق، تدبیر منزل، دبیر مدینه و نیز نبوت را در زمره علوم و حکمت عملی قرار می‌دهد. بنابراین تأکید و توجه ابن‌سینا در پرداختن به مؤلفه‌ها و روابط موجود در جامعه شهری، غالباً درباره مباحث مرتبط با حکمت عملی مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۱

نکته مهمی که در ارتباط با تبیین مفاهیم نظری پژوهش مطرح است، ضرورت اشاره بر ابعاد متفاوت زیستی و سکونتی جامعه شهری و مباحث مرتبط با شهرسازی می‌باشد. بدین منظور و در ادامه، به بیان مفاهیم اساسی مرتبط با شهر اسلامی، که ابن‌سینا مطرح نموده و در بحث یافته‌های پژوهش بدان‌ها اشاره می‌گردد، پرداخته می‌شود:

۱) کالبد

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های هویت شهری، کالبد و بافت شهر می‌باشد. بافت کالبدی و ساختار مکانی - فضایی شهرها یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی شهرها را شکل می‌دهد، زیرا

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص طبقه‌بندی انواع علوم از منظر ابن‌سینا و تحقیق در باب علوم مطرح شده از سوی وی در حوزه‌های علوم طبیعی، علوم ریاضی، علوم الهی و نیز گفتارهای مرتبط با حکمت نظری از جمله اخلاق و تدبیر منزل به مقاله «معیار برهان صدیقین» (عسگری سلیمانی، ۱۳۹۳: ۱۰۱) رجوع شود.

شکل‌گیری بافت کالبدی شهری متأثر از باورها، اندیشه‌ها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه است. از این رو شناخت این بخش از شهرها می‌تواند به شناخت بیشتر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بیانجامد (نوفل و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۹).

۲) سیاست

سیاست به معنی تدبیر، چرخانیدن و اداره کردن است. البته در استفاده‌های صورت‌گرفته از این مفهوم در گذشته، معنایی عام‌تر از مفهوم فعلی داشته‌است؛ زیرا در عصر حاضر، عمدتاً در تدبیر خاصی که همان اداره امور حکومتی و دولتی است، استفاده می‌شود. این درحالی است که در کلمات پیشینیان حتی در مورد تنظیم روابط شخصی و فردی هم استفاده شده‌است (نفیسی، ۱۳۶۸: ۹۱).

۳) اقتصاد

شهر موجودیتی اقتصادی است و توزیع ثروت در شهر تا اندازه زیادی بر تقسیم کار اجتماعی انطباق دارد. از این رو میان ابعاد اقتصادی شهر و فضاهای کاربردی شهر نظیر کار، مسکن، اوقات فراغت و حمل و نقل، رابطه گسترده‌ای وجود دارد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۶۴).

۴) اجتماع و مدنیت

به‌طور کلی، کنش‌های فردی و جمعی، هنجارها، اخلاق شهروندی و نیز روابط مدنی، یک اجتماع را شکل می‌دهد. از طرفی، آدمی موجودی اجتماعی است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت افرادی که خارج از جامعه انسانی و در تشکلی غیر اجتماعی و بدون مدنیت زندگی می‌کنند را می‌توان موجوداتی غیرانسانی دانست. این مفهوم به شکلی دیگر در اندیشه‌های اجتماعی ابن سینا یافت می‌شود که در بخش‌های بعدی پژوهش، به بحث و بررسی بیشتر گذارده می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع بنیادی است. همچنین در راستای جمع‌آوری اطلاعات، از اسناد و منابع کتابخانه‌ای بهره برده‌است. بنابراین روش این پژوهش، تلفیقی از روش‌های تحلیل محتوا، قیاسی- توصیفی و نیز تحلیل علی و فرا تحلیل می‌باشد؛ بدین ترتیب پاسخ به سؤالات تحقیق با استفاده از مطالعه، مقایسه، درک مفاهیم و نیز تحلیل متون و آثار حکیم ابوعلی سینا

به‌طور مستقیم یا با کمک دیگر آثار موجود در این زمینه به شکل غیرمستقیم، انجام شده‌است. به‌علاوه، در جهت تفسیر صحیح نظریات بیان‌شده ابن‌سینا و ایجاد ارتباط آنها با حوزه مسائل شهری و شهرسازی از تفهم، درون‌یابی و نیز معناکاوی آرا استفاده شده‌است.

یافته‌های تحقیق

گونه‌بندی شهرها از نظر ابن‌سینا

حکیم ابوعلی سینا انواع شهرها را در سه دسته کلی قرار می‌دهد. ۱) گمراه شهر، که باید آن را به راه حق فراخواند؛ ۲) ناساز شهر، که دارای سنت‌هایی بر خلاف سنت کریمه است؛ و ۳) آیین شهر که سنت‌گزار آن خداست، و از آن به‌عنوان مدینه عادلّه یاد می‌شود. در مدینه عادلّه (داد شهر)، سزاوار است که عوام از اخلاق و عاداتی که شریعت نهاده‌است پیروی کنند تا آن که کردارهای نیک با تکرار پیوسته و بسیار و طی زمانی طولانی به‌صورت آیین معرفی گردند (واحد فروغ و سخندان سرخابی، ۱۳۹۲: ۷). در ادامه به تعاریف، مباحث، ابعاد و ویژگی‌های مرتبط با مدینه عادلّه سینایی پرداخته می‌شود.

ابن‌سینا و انگاره مدینه عادلّه

حکیم ابوعلی سینا، کمال زندگی مادی و معنوی انسان را در گرو زندگی اجتماعی می‌داند؛ اما وی هر نظامی را در راستای رسیدن به این هدف مطلوب نمی‌داند و براین‌اساس است که در آخرین مقاله *الهیات شفا*، نظام مطلوب خود و به‌عبارتی مدینه عادلّه یا همان دادشهر را ترسیم می‌کند؛ مدینه‌ای که با رهبری نبی و اجرای احکام و قوانین الهی موجبات عدل و سعادت انسان‌ها را فراهم می‌کند. در مباحث مرتبط با انگاره مدینه عادلّه، وجوه متفاوت مدینه عادلّه آشکار می‌شود. بدین معنی که ابن‌سینا تمام ویژگی‌های دادشهر خود را اعم از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نیز کالبدی، چه به شکل مستقیم و چه به شکل غیرمستقیم، بیان ساخته‌است. در ادامه، به بررسی ابعاد مدینه عادلّه ابن‌سینا پرداخته می‌شود.

الف) ابعاد کالبدی مدینه عادلّه

۱. زیبایی‌شناسی در شهر

دیدگاه ابن‌سینا درباره زیبایی متأثر از نظریات زیباشناختی افلاطون، ارسطو و فارابی است. ابن‌سینا برای زیبایی دو تعریف عام و خاص دارد. مراد از تعریف عام، تعریفی است که برای

همه مصادیق از حق تعالی گرفته تا اشیای زیبا، صادق باشد و مراد از تعریف خاص، تعریف زیبایی محسوس است. تعریف ابن سینا از زیبایی عام در دو کتاب *النجاه و المبدأ* و نیز *المعاد*، آمده است (هاشم نژاد، ۱۳۹۲: ۴۷). برای ابن سینا، زیبایی یک مفهوم چند وجهی را ایجاد می‌کند که به گستره عقل وارد می‌شود. یعنی یک ذات و اساس عقلی ناب که در همه اشیا و موجودات جای دارد (مؤمنی و اکبری نسب، ۱۳۹۵: ۸). اما زیبایی خاص به معنی زیبایی محسوس و داشتن حسن نظم، حسن تألیف، حسن اعتدال و بهره‌مندی بیشتر از وحدت می‌باشد. از نظر ابن سینا، زیبایی از چند طریق حسی، خیالی، وهمی، ظنی، عقلی و شهودی قابل شناخت و درک است (هاشم نژاد، ۱۳۹۲: ۱۱۱).

مدینه عادلّه یا همان شهر مطلوب ابن سینا ابعاد مختلف زیبایی از جمله زیبایی عام و زیبایی خاص دارد. در ارتباط با زیبایی عام، دادشهر ابن سینا دارای کلیت زیباست که فارغ از توجه به اجزای شهر و در مجموع، زیبایی را به چشم بیننده القا می‌کند. از طرفی در ارتباط با زیبایی خاص، ابن سینا بیشتر زیبایی اجزا و عناصر شهری را در نظر می‌گیرد. برای مثال، وجود نظم و تناسب، رعایت اصل اعتدال و نیز ایجاد حس وحدت و یکپارچگی از جمله نکاتی است که در اجزای شهر مطلوب ابن سینا، از جمله ساختمان‌ها، راه‌ها و دیگر عناصر شهری قابل شناسایی است. به علاوه از لحاظ سازمان کالبدی شهر، ابن سینا خانه‌ها را در خور طبقات اجتماعی می‌داند، به نظام فئودالی و به عبارتی نظام ارباب رعیتی معتقد است و نیز اعتقاد دارد شهر او به لحاظ سیمای شهری، متنوع می‌باشد. ابن سینا همچنین به مالکیت خصوصی که از تعالیم اسلامی برگرفته شده، شدیداً معتقد بوده و به اصول خانواده نیز پایبند می‌باشد. بنابراین سیمای کلی شهر او بسیار متنوع است (واحد فروغ و سخندان سرخابی، ۱۳۹۲: ۹).

۲. جایگاه هنر در شهر

ابن سینا تعریف معینی برای هنر ندارد و اساساً هنر به معنای کنونی در روزگار او رایج نبود. اما با استفاده از مبانی فلسفی او و سخنان پراکنده او درباره «صورت» و فرایند خلق آثار بشری، می‌توان تعریفی برای هنر بازسازی کرد که به تحقیق بهتر از همه تعاریف موجود باشد. به نظر ابن سینا، توده مردم به هنر بیشتر از مطالب عقلی و فلسفی راغب بوده و تمایل دارند. از این رو، هنر برای انتقال پیام به توده مردم وسیله مناسبی است. همچنین ابن سینا معتقد است لذت بردن

از زیبایی، زیبایی دوستی و زیبایی‌گرایی فطری، منشأ هنرها هستند (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۱۳). واضح است یکی از شروط وجود زیبایی در شهر، چه به شکل عام و چه به شکل خاص، استفاده از هنر و بهره‌گیری از هنرمندان می‌باشد که در کنار ساخت کالبد شهری، زیبایی را فراهم می‌آورند. همان‌طور که بیان شد، هنر نزد ابن‌سینا، در صورت و ظاهر پدیدار می‌گردد. بنابراین در نظر ابن‌سینا شرط اصلی وجود زیبایی در ساختار کالبد شهری، وارد نمودن هنر به عرصه شهری خواهد بود. باید در نظر داشت هنری که ابن‌سینا از آن یاد می‌کند، اساساً با ورود خود به عرصه ساخت شهر، زیبایی خاص خود را در اجزا و عناصر شهری پدید می‌آورد. بدین معنی که هنر موجب حسن اعتدال، نظم و تناسب و شکل‌گیری زیبایی خاص در عناصر شهری می‌گردد. وجود این زیبایی در صورت اجزا و عناصر شهری، می‌تواند منجر به ایجاد یک کل وحدت‌بخش و یکپارچه گردد که زیبایی را به شکل عام و کلی در شهر ایجاد می‌کند.

۳. اصول ساخت و بافت شهر

ابن‌سینا در خصوص حالات مختلف قرارگیری یک شهر نسبت به جهات چهارگانه، وزش باد و نیز مکانیابی شهرها توصیه‌هایی ارائه می‌دهد. برای مثال، در ارتباط با مساکن رو به شرق بیان می‌کند شهری که روبه‌روی مشرق است، دارای هوای صاف و تمیز، بادهای لطیف و نیز هوای سالم و مساعد است. در مقابل، در رابطه با مساکن رو به غرب اظهار می‌دارد که در این شهرها، خورشید مدت زمان کمی می‌تابد، هوای لطیف و مطبوع وجود نداشته و هوا در آن مرطوب و غلیظ باقی می‌ماند. همچنین در خصوص جهت وزش بادهای مختلف، باد شمالی را عامل نیرومندی دانسته و نیکوتر می‌پندارد و باد جنوبی را عامل سستی می‌داند؛ همچنین باد شرقی را بهتر از بادهای غربی معرفی می‌کند (ابن‌سینا، ۱۳۸۷: ۲۱۱). ابن‌سینا در ارتباط با مکانیابی محل سکونت بیان می‌کند که وقتی کسی جای سکونت برمی‌گزیند، باید خاک، حالت پستی و بلندی، باز بودن، پوشش و آب را بررسی کند و بداند که آیا محل سکونت بادگیر است یا جایی گود و فرو رفته می‌باشد. همچنین بایستی بادهای منطقه را بشناسد که آیا سالم است یا خیر و نیز نقاط مجاور آنجا مانند دریا، مسیل‌ها، کوه‌ها و کانال‌ها را مورد تحقیق قرار دهد. وی در رابطه با معماری ساختمان‌ها نیز توصیه‌هایی ارائه می‌دهد؛ بیان می‌کند که بهتر است پنجره‌ها و درهای محل سکونت شرقی-شمالی باشند، به وارد شدن بادهای شرقی درون خانه اهمیت داده شود و نیز آفتاب به دلیل مساعد نمودن هوا، تمام قسمت‌های خانه را دربر گیرد.

۴. منابع آب

ابن سینا بهترین منبع آب را از چشمه سارانی که از خاک می جوشد می داند؛ پس از آن چشمه‌ای که از سنگ بیرون می آید دانسته و معتقد است هر آبی که بسترش گلی است، بهتر از بستر سنگی می باشد. دلیل این امر را نیز در خاصیت تصفیه‌کنندگی گل بیان می کند. ابوعلی سینا آب جاری را به دلیل تابش خورشید و وزش بادهای بر آن برتر از آب سرچشمه می داند. همچنین معتقد است آب راکد بهتر است سرپوشیده و درونی باشد. همچنین آب قنات و چاه‌ها را به دلیل نداشتن خاصیت جوشندگی و ماندن طولانی مدت در اعماق زمین نامناسب می داند. وی در کتاب *قانون* آورده است: «بهترین آب در بین آب‌های جاری آبی است که به سمت خاور در جریان است و بهتر از آن، موقعی است که آب به سوی مشرق تابستانی می رود. چنین آبی هر قدر از منشأ خود دور شود بهتر می گردد. بعد از آن، بهترین آب آن است که به سمت شمال جریان دارد. آبی که به سوی مغرب و جنوب در حرکت است، نامطلوب بوده و نامطلوب‌تر از آن موقعی است که باد جنوب بر آن بوزد» (ابن سینا، ۱۳۸۷: ۲۲۶). لازم به ذکر است که به اعتقاد ابن سینا بهتر است ساخت واحدهای مسکونی در نزدیکی آب‌های گوارا، روان و پاکیزه، که در زمستان سرد و در تابستان گرم هستند، صورت پذیرد.

ب) ابعاد سیاسی مدینه عاده

۱. نظام سیاسی شهر

سیاست مدینه عاده ابن سینا با اخلاق پیوند اساسی دارد. اساساً پایه و زیر بنای مدینه عاده را اخلاق و فضیلت تشکیل می دهد. چنان‌که غایت مدینه او سعادت، یعنی کمال نفس ناطقه در مرتبه علم و عمل است. همچنین در نگاه او اعتبار حکومت و حاکمیت به عادلانه بودن آن است. بنابراین عدالت در شهر نقش بسزایی را ایفا می کند. به علاوه در جامعه شهری، سنت و شریعت که محصول عقل قدسی و ناشی از وحی است، مبنای اداره جامعه قرار می گیرد.

وی در *رساله السیاسه* چند شکل از اشکال حکومت را به شرح زیر ذکر کرده است:

اول). حکومت دموکراسی که تساوی همه افراد در حکم بوده و مضرات و مواهب حکومت به نحو متساوی عاید همه می گردد. چنین حکومتی توسط همه مردم یا رؤسای درجه دوم انتخاب می شود.

دوم) حکومت‌هایی که تحت سلطه ریاست‌های پست و منحط قرار دارند و رئیس اول آن بر عهده پست‌ترین مردم است. چنین حکومت و به تبع آن جوامعی که چنین حکومت‌هایی را پذیرفته‌اند، خود دارای انواع متعددی می‌باشند.

سوم) حکومت استبدادی و پادشاهی که در عبارات بوعلی به وحدانیه‌الریاسته تعبیر شده‌است و هدف عمده ریاست اطاعت و انقیاد کامل مرئوسین می‌باشد (ابن‌سینا، ۱۳۷۹).

چهارم) حکومت اشرافی که در کلمات بوعلی به حکومت و یا ریاست فضاله تعبیر شده‌است؛ در چنین نظامی با فضیلت‌ترین افراد رئیس اول جامعه بوده و باقی مردم به نسبت برخوردار از فضیلت و کمال اخلاقی در سلسله مراتب اجتماعی قرار داده می‌شوند (حجازی، ۱۳۹۰).

۲. قانون در شهر

بدیهی است که نظم و ساماندهی شهر و اجتماع بشری بدون وجود مقرراتی، که اصطلاحاً قانون نامیده می‌شود، امکان‌پذیر نیست. بنابراین شهر مورد نظر ابن‌سینا نیز به مجموعه‌ای از قوانین نیازمند است. ابن‌سینا در آثار خود از آنچه که ما قانون می‌نامیم با عناوین مختلف، مانند قانون، ناموس، سنت، محمودات و شریعت یاد کرده‌است؛ اما جامع همه آنها را شریعت می‌نامد. وی از لزوم اجرای عدل و قانون در جامعه، ضرورت وجود نبی را نتیجه می‌گیرد و از این طریق بر حاکمیت شریعت الهی بر شهر تأکید دارد. اهمیت قانون و شریعت الهی نزد ابن‌سینا، تا آنجاست که معتقد است چنانچه تحمیل این قوانین بر شهرهای فاسد منجر به اصلاح امور آنان شود، باید چنین کاری را انجام داد. امنیت قوانین در این نهفته است که همه انسان‌ها نگران آخرت خویش نیستند؛ بنابراین، دولت باید برای زندگی آنان مقرراتی وضع کند و این مقررات باید بیش از هر چیز علیه کردار ضد سنت که تباہ‌کننده نظم و هماهنگی کشور است باشد.

۳. حاکم شهر

ابن‌سینا درباره مدبّر یا رهبر جامعه معتقد است آنها باید عادل و دارای فضایل باشند. زیرا آراستگی به اخلاق و ارزش‌های والای آن، بیش از همه برای کسانی ضرورت دارد که رهبری و تدبیر امور دیگران را بر عهده گرفته‌اند. آنگاه ابن‌سینا برای این حاکم یک برنامه سیاسی نگاشته و او را به نگرش در باب حکمت و سیاست پایدار در تدبیر کار جهان فرا می‌خواند، به نظارت

بر عبادت‌ها و اجتماعات همگانی در معاملات‌های داد و ستدی پیشگیری کند. مردم را به همیاری، دفاع همگانی، نگاه‌داری مال‌ها و جان‌هایشان، جنگیدن با دشمن و نابودی آنان فرا می‌خواند (اذکائی، ۱۳۸۳: ۱۳). ابن‌سینا همچنین قدرت سه‌گانه‌ای را در دست حاکم می‌داند: اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی. هرچند ابن‌سینا جز دو مورد آخر را عنوان نکرده و آنها را سنت و عدل نامیده و حاکم را «سنت‌گزار و دادگستر» خوانده‌است. وظیفه عمده حاکم شهر نزد ابن‌سینا، تدبیر و شکل‌دهی جامعه انسانی به آن شکل و صورتی است که سنت‌گذار بر مبنای آن فرم نخستین شهر را ایجاد کرده‌است. اکنون باید مردمان هریک در یکی از گروه‌های صنفی قرار گیرند و هیچ‌کس عاطل و باطل نباشد و به رشد فضایل درونی در خود بپردازد و فراهم نمودن این امر وظیفه رئیس مدینه است (محمدی‌کیا، ۱۳۸۶: ۱۵۹).

ج) ابعاد اقتصادی مدینه عاده

۱. اشتغال و بیکاری

شهر مطلوب ابن‌سینا و به تعبیر دیگر مدینه عاده، مبتنی بر حفظ تعادل می‌باشد. این امر زمانی تحقق می‌پذیرد که مراتب سه‌گانه مرتبط با تقسیم کار اجتماعی که از آن یاد شد، طوری تنظیم شود که در هر طبقه مراتب ریاست‌ها از بالاترین مرتبه شروع و به پایین‌ترین قشر مردم منتهی گردد؛ به‌گونه‌ای که در شهر هیچ‌کس نباشد که جایگاه مناسب معلوم نبوده و بیکار بماند. درعین‌حال، ابن‌سینا در شهر بودجه مشترکی را در نظر می‌گیرد که از سود درآمدهای اکتسابی و طبیعی و نیز جرائم و قوانینی که از اموال مخالفان سنت گرفته می‌شود، تأمین می‌گردد تا از این طریق هزینه نظامیان که به صنعت خاصی مشغول نیستند و نیز هزینه معاش کسانی که به دلیل بیماری و معلولیت قادر به کار نیستند فراهم شود. همان‌طور که گفته شد شهر از سه رسته گردانندگان، پیشه‌وران و نگهبانان سازمان‌یافته و پایه و مایه آن کارورزی است؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌کس در آن بیکار نباشد. بنابراین بوعلی یکی از عوامل رسیدن به سعادت را تقسیم کار براساس تفاوت مردمان جامعه در ساختاری سلسله‌مراتبی می‌داند. از اینجاست که وی به مفهوم مرکزی تعاون می‌رسد (مبلغی و محمدی‌کیا، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۲۰).

همچنین می‌بایست کسب و کارها شریف باشند و از این‌رو ابن‌سینا، قماربازی و رباخواری را حرام شمرده‌است. اقتصاد شهر یا به تعبیر وی «اسباب زیست» چنان که گذشت، مبتنی بر مالکیت خصوصی بر وسایل فراوری و مالدارانی فردی است، که از راه ارث‌بری یا بخشش پیدا

کردن تحقق می‌یابد. همچنین وی مشاغلی را که وجود و رسمیت آن سبب تزلزل نظام اجتماعی و پیدایش نابسامانی در آن می‌گردد را نمی‌پذیرد. ابن‌سینا همچنین در کتاب الهیات شفا ضمن تأکید مجدد بر ضرورت تبعید بیکاران سالم از شهر، نظر خود را در مورد بیکاران معلول، تعدیل نموده و بر حمایت و سرپرستی قانونمند آنان توسط مسئولان جامعه یا خانواده‌ها و خویشاوندانشان تصریح می‌نماید.

۲. منابع مالی شهر

طبق اندیشه ابن‌سینا، منابع مالی در شهر بر سه قسم استوار می‌باشد که عبارت‌اند از: مالیات بر فراورده‌ها، توان‌گیری جرائم، و غنائم حاصل از دوری‌گزینان از سنت (مصادرات)؛ این مال‌ها در خزانه دولت به مثابه یک مال مشترک سپرده می‌شود تا برای مصالح مشترک همگان، پرداخت حقوق نگهبانان یا سپاهیان که اشتغال به صنعت ندارند، حقوق کارمندان دولت و هزینه زندگی از کار افتادگان- پیران و بازنشستگان- که بیمای و کهنسالی مانع کار کردنشان شده، مصرف گردد. ابن‌سینا نسبت به پیران و بازنشستگان که نیازمند یاری دولت هستند از افلاطون و ارسطو، که قائل به کشتن زمینگیران و بیماران هستند، دیدگاهی ملایم‌تر و واقع‌گراتر ارائه می‌کند (اذکائی، ۱۳۸۳: ۱۰).

د) ابعاد اجتماعی مدینه عاده

ابن‌سینا عقیده دارد که انسان موجودی مدنی به‌طبیعت است، یعنی ذاتاً اجتماعی است؛ و افراد انسانی به فکر و کار و یاری یکدیگر محتاج هستند. اما چون طبیعتاً میل به تصاحب حق و مال دیگری را دارند، باید تابع قوانینی باشند که عدل و انصاف و صداقت و امانت را پیروی کنند. وی هیچ قانونی را برای ساختن افرادی عادل و منصف و امین و مترقی بهتر و کامل‌تر از قانونی که با روح و عقل قدسی پیامبران الهی وضع شود نمی‌داند؛ زیرا حاوی صحیح‌ترین وظایف و تکالیف فردی و خانوادگی و اداری و اجتماعی و اقتصادی است که جامعیتش عوام و خواص و مرد و زن و پیر و جوان را به رفاه و عدل و انصاف می‌خواند.

۱. تعاون و مشارکت

ابن‌سینا در الهیات شفاء بعد از بیان وجوب زندگی اجتماعی برای انسان، لزوم مشارکت را مطرح می‌کند و آن را عامل بقای زندگی مدنی و اجتماعی نوع بشر می‌داند. وی به تبیین لزوم

وجود معامله و عدل در میان انسان‌ها پرداخته‌است و آنجا که شرع را نظام‌بخش روابط اجتماعی دانسته، عدل و عدالت را حافظ قوانین شرع معرفی می‌کند و در ادامه در شفاء آورده که در معاملات و امور اقتصادی، به‌ناچار باید از سنت و عدل پیروی کنیم. در اینجا نقش سنت‌گذار برجسته می‌شود که حامل و گذاردهنده انسان‌ها و اجتماع طبیعی به اجتماع مدنی است و بنابراین مشارکت و معاملات و خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد جامعه انسانی نیز مطرح می‌شود شیخ الرئیس در کتاب شفاء در این باره چنین آورده‌است:

«بدیهی است که انسان در وجود و بقای خود نیازمند مشارکت با دیگران است و برای تحقق این مشارکت قراردادهایی ضرورت دارد. همچنان که علل و اسباب دیگری نیز در این امر ضرورت دارد بر قراردادها نیز سنت و عدل و برای سنت و عدل نیز قانون‌گذار و اجراکننده عدالتی ضرورت دارد. این اشخاص به میان مردم می‌رود و سنت خود را بر آنان جاری می‌کند. پس باید انسانی وجود داشته‌باشد که اجازه ندهد تا مردم با توجه به نظرات خود عمل کنند، زیرا در این صورت، نظرات گوناگون پدید خواهد آمد و هریک از آنان، آنچه را که نفع اوست، عدل و آنچه را که ضرر اوست ظلم تلقی خواهد کرد» (ابن سینا، ۱۳۷۶).

ابن سینا که انسان را موجودی اجتماعی معرفی می‌کند، ساماندهی زندگی جمعی بشر را به‌وسیله تعاون میان انسان‌ها میسر می‌داند و در این میان، نقش برجسته‌ای برای قانون‌گذاری که او را حامل، یعنی گذاردهنده اجتماع طبیعی به اجتماع مدنی، می‌داند قائل است و از آنجا که نقش اساسی و مهمی برای شریعت و شرع الهی در نظر دارد، رابطه و نقش نبی در سیاست در آرای وی مطرح می‌شود (محمدی کیا، ۱۳۸۶: ۱۵۶).

۲. عدالت

براساس دیدگاه ابن سینا، «عدالت» مطلوبترین حالت ممکن برای اجتماع به‌شمار می‌آید. به همین دلیل وی اغلب ترجیح می‌دهد که برای توصیف اجتماع انسانی مورد نظر خود از اصطلاح «مدینه عادلّه» استفاده کند. ابن سینا عدالت را به معنای برابری مطلق نمی‌داند. عدالت مورد نظر ابن سینا را «عدالت عقلی به‌عنوان تجلی و تعبیری از قرارداد اجتماعی» تعبیر کرده‌اند؛ با این توضیح که انسان‌ها به واسطه نیازهای متنوع، از نظر عقلی محتاج تقسیم کار و اجتماع و تعاون هستند و این تعاون نیز مگر با تفاوت و اختلاف در کفایت‌های آنان ممکن نمی‌شود. از نظر

ابن‌سینا، برابری مطلق منحل عدالت و نظم اجتماعی و باعث نیستی جامعه و رواج سلطه‌طلبی و تقلب و جدال و تجاوز در جامعه می‌شود. از نظر وی بشر محتاج تقسیم کار است که بدون اجتماع و مشارکت صورت نمی‌گیرد؛ همچنان که اجتماع و مشارکت هم بدون عقد قرارداد شکل نمی‌گیرد (ابن‌سینا، ۱۳۷۵). مبنا و قیاس این قراردادها سنت و عدل است و برای تشریح و اجرای سنت و عدل نیز به قانون‌گذار عادل نیاز است. هیچ فیلسوف مسلمانی پیش از او به این موضوع که نظم سیاسی براساس یک قرارداد به وجود می‌آید، تصریح نکرده‌است؛ قراردادی که طبق مقیاس عدالت و سنت مشروط و منعقد می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۲۵). وی در کتاب *السیاسه* می‌نویسد:

«جامعه یکسان و بی‌طبقه و فاقد اختلاف و تمایز، که همه افراد آن در وضعیت یکسان و برابر باشند، سرنوشتی جز اضمحلال و نابودی ندارند، چه همه افراد این جامعه، مرفه و توانمند و غنی و مسرور و با قدرت باشند، و چه همگی در حال فقر و ناتوانی و ضعف به‌سر برند. در حالت اول، روابط افراد و افشار جامعه، در اثر حسادت و رقابت منفی و جدال و تجاوز به حقوق یکدیگر و سلطه‌طلبی به فساد کشیده خواهد شد، و در حالت دوم، فقر و تنگدستی جامعه را به نیستی خواهد کشانید.» (ابن‌سینا، ۱۳۷۹).

۳. تقسیم کار اجتماعی

ابن‌سینا زندگی اجتماعی بشر را مستلزم وجود تقسیم کار می‌داند و در ادامه، جامعه بشری را نتیجه تقسیم کار اجتماعی می‌داند. ابن‌سینا مراتب شهر را از حیث وظیفه و طبقات اجتماعی، بر حسب شایستگی‌ها و قابلیت‌های متفاوت آنها به سه گروه «مدبران» یعنی سیاسیون و اصحاب اندیشه، «صناع» که شامل صنعتگران، کشاورزان، پیشه‌وران و بازرگانان است و «حفظه» که شامل نظامیان، پلیس و مرزبانان تقسیم می‌کند و نیز نظم و سلسله‌مراتب مورد نظر را در هریک از این گروه‌ها جاری می‌داند. ابن‌سینا در سازماندهی این گروه‌ها، پیاپی از فرمانروا و همگنان آغاز نموده تا سپس به گروه‌های فروتر می‌رسد. تاکید وی بر این است که هریک در شهر سودی دارند و نباید که هیچ آدمی بیکار بماند؛ بدین معنی که تعادل در مدینه تنها زمانی برقرار می‌گردد که وجود هیچ فردی بدون استفاده نباشد و هرکس به فراخور تخصص و توانایی خود، در امور تولیدی یا خدماتی یا تعلیمی کاری را بر عهده بگیرد.

۴. تفاضل اجتماعی

از آنجایی که حیات و رشد جامعه در سایه تعاون اعضا و افراد آن تأمین می‌شود و بدون سازگاری و همیاری افراد جامعه، پژمردگی و سستی و در نتیجه مرگ بر آن مستولی خواهد گردید، تفاوت و تفاضل افراد جامعه خود نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در ایجاد آن خواهد داشت. نابرابری‌ها که عمدتاً منشأ گرفته از استعدادها، درک‌ها، اراده‌ها، همت‌ها و میل‌ها و پشتکارهای متفاوت است، علاوه بر اینکه به حیات جامعه و بقای آن ضرر و اخلاقی نمی‌رساند، موجب تأمین نظم و سازگاری در نتیجه حیات و تداوم زندگی جامعه خواهد بود (نفیسی، ۱۳۶۸: ۸۹).

شهر مطلوب ابن سینا مبتنی بر همین تفاوت‌ها و تعاون‌ها در بین مردم است. جامعه ناهمگونی که از مظاهر رحمت و حکمت و تدبیر و لطف الهی است ره‌آورد آن چیزی جز سعادت و عدالت نخواهد بود. به تعبیر دیگر از دیدگاه این فیلسوف، توانمندی‌ها و کارایی‌ها و امکانات مادی و معنوی در میان مردم یک جامعه، در حقیقت به منزله تقسیم کاری است که برای نظم نابرابری‌ها مورد رضایت همگان باشد در نتیجه آرمان‌های بزرگ سیاسی چون: صلح، امنیت، احترام به رأی و اندیشه دیگران، در پناه عدالت جامعه عمل خواهد پوشید و عوامل مخرب مانند تجاوز، ظلم، جنگ و ویرانی از میان رخت برخواهد بست. بدین ترتیب، سعادت و کمال نیکبختی در سایه همکاری در اجتماع حاصل می‌شود، مشروط بر آنکه آدمی تحت لوای قانون زندگی کند و بتواند با تعاون و همکاری نیازهای خود را برآورد و به شرط اینکه مقررات درست و عادلانه در آن جامعه برقرار باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۲۶). در جدول زیر، خلاصه یافته‌های تحقیق در چهار بعد بررسی شده در ارتباط با شهر مطلوب حکیم ابوعلی سینا آورده شده است.

جدول ۱. خلاصه ابعاد شهر مطلوب از منظر ابن سینا

نظام	ابعاد	توصیف مفاهیم
زیبایی	زیبایی‌شناسی در شهر	در نظر گرفتن زیبایی عام و زیبایی خاص در شهر، لزوم وجود زیبایی عام در کلیت و زیبایی خاص در عناصر شهری، مسکن شهری منطبق با طبقات اجتماعی افراد جامعه، در نظر گرفتن سیمای شهر متنوع.
	جایگاه هنر در شهر	وجود هنر در صورت و جلوه آثار بشری، تبیین هنر به‌عنوان لازمه وجود زیبایی در شهر، بهره‌گیری از هنر شهری به‌عنوان وسیله‌ای جهت انتقال پیام به مردم.

ادامه جدول ۱. خلاصه ابعاد شهر مطلوب از منظر ابن سینا

نظام	ابعاد	توصیف مفاهیم
	اصول ساخت و بافت شهر	مطلوب بودن جهت‌گیری ابنیه و مساکن رو به مشرق، وجود باد شمالی برای یک شهر به‌عنوان عاملی جهت مطلوبیت و نیرومندی، توجه به عواملی نظیر آب، خاک، باد و توپوگرافی زمین در زمان مکانیابی شهرها، توجه به ارتباط میان معماری ابنیه و جهت وزش باد و تابش آفتاب.
	منابع آب	چشمه‌های جوشیده از خاک به‌عنوان بهترین منابع آب، برتری آب جاری در برابر آب سرچشمه به علت تابش خورشید و وزش بادهای بر آن، لزوم ساخت واحدهای مسکونی در نزدیکی منابع آب.
سیاسی	نظام سیاسی شهر	پیوند سیاست و اخلاق در شهر، عادلانه بودن حکومت ضامن اعتبار آن، تقسیم انواع حکومت به چهار شکل حکومت دموکراسی، حکومت پست و منقط، حکومت پادشاهی و استبدادی و نیز حکومت اشرافی.
	قانون در شهر	وجود قانون در شهر ضامن نظم و ساماندهی جامعه، لزوم توجه به شریعت الهی به‌عنوان مرجع تدیون قوانین، دولت به عنوان مرجع وضع قوانین.
	حاکم شهر	نگرش در باب حکمت و سیاست پایدار، نظارت بر عبادت‌ها و اجتماعات همگانی و امور اقتصادی به‌عنوان وظیفه حاکم شهر، لزوم وجود قدرت سه‌گانه اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی در دست حاکم شهر.
اقتصادی	اشتغال و بیکاری	تلاش در جهت کاهش و نبود بیکاری در شهر، حمایت از معلولان و افراد کم‌توان.
	منابع مالی شهر	تقسیم منابع مالی شهر به سه دسته مالیات بر فرآورده‌ها، توان‌گیری جرائم و مصادره اموال دوری‌گزینان از سنت اسلامی، حمایت دولت از افراد سال‌خورده و بازنشسته.
اجتماعی	تعاون و مشارکت	عامل بقای زندگی مدنی و اجتماعی، ضرورت وجود قرارداد اجتماعی برای تحقق مشارکت.
	عدالت	مطلوب‌ترین حالت ممکن برای اجتماع، عدالت عقلی به‌عنوان تجلی و تعبیری از قرارداد اجتماعی، برابری مطلق، مخل عدالت و نظم اجتماعی.
	تقسیم کار اجتماعی	زندگی اجتماعی بشر را مستلزم وجود تقسیم کار، وجود سه طبقه اجتماعی در شهر شامل سیاسیون، صنعتگران و نیروهای نظامی.
	تفاضل اجتماعی	تفاوت و تفاضل افراد لازمه رشد و سعادت جامعه، تنوع در توانمندی‌های افراد جامعه به منزله ایجاد تقسیم کار اجتماعی.

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

بحث و نتیجه گیری

پیدایش و تحقق شهر اسلامی منوط به پشتوانه نظری و فلسفی با هدف تولید فکر دینی عمیق و مستدل براساس آموزه‌های اسلامی و اجرایی کردن آن است. در این راستا به‌عنوان یک ضرورت و با هدف تدوین هویتی مستقل با استناد به مؤلفه‌های فرهنگ بومی و تکیه بر آموزه‌های اندیشمندان مسلمان، اندیشه ابوعلی سینا در حوزه شهر و شهرسازی در این پژوهش مورد واکاوی قرار گرفته است.

اندیشه فکری ابوعلی سینا در تدوین شهر و ساختار آن متأثر از شهر آرمانی وی با نام مدینه عاده (دادشهر) دارای جامعیتی عمیق در ارتباط با مباحث اقتصادی شهر، نظام مدیریتی و سیاسی شهر، ابعاد مختلف کالبدی شهر، زیبایی‌شناسی، هنر و همچنین ابعاد گسترده اجتماعی شهر می‌باشد. در ساختار مدینه عاده ابن سینا به کلی‌ترین مسائل شهر مانند مکان‌یابی شهر با در نظر گرفتن توپوگرافی و جنس خاک و همچنین در نظر گرفتن جهات چهارگانه و مسیر توسعه آن در راستای بهره‌گیری از مواهب طبیعی مانند نور، باد، آب و هوا با هدف بهره‌گیری از هوای صاف و تمیز، بادهای لطیف و نیز هوای سالم و مساعد تا جزئی‌ترین ابعاد مانند پنجره‌ها و درهای محل سکونت توجه شده است. ابن سینا نظم و ساماندهی شهر و اجتماع بشری را مستلزم قوانین و مقررات برگرفته از شریعت می‌داند. براین اساس به حاکمیت شریعت الهی بر شهر تأکید دارد. در شهر آرمانی ابن سینا، کمال زندگی مادی و معنوی انسان در گرو زندگی اجتماعی برگرفته از قوانین الهی برای تحقق عدالت و سعادت انسان‌هاست. مدینه عاده یا همان شهر مطلوب ابن سینا، واجد ابعاد مختلف زیبایی عام و خاص است که در تجلی آن باید سیمای شهر زیبایی محسوس و معقول را به چشم بینندگان القا کند. همچنین به اجزا و عناصر شهری مانند وجود نظم و تناسب، حسن اعتدال و نیز ایجاد حس وحدت و یکپارچگی از جمله ساختمان‌ها، راه‌ها و دیگر عناصر شهری به‌صورت دقیق توجه دارد. در سازمان کالبدی شهر، تنوع یکی از اصول اساسی آن در همه ابعاد کالبدی و اجتماعی تجلی دارد. با این وصف سیمای کلی شهر او بسیار متنوع است. به‌طورکلی ابن سینا در آرمان شهر مدینه عاده چهار نظام کالبدی، اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را به صورت مجزا را تدوین نموده است. در نظام کالبدی شهر، مباحث زیبایی‌شناسی، هنر، اصول ساخت و بافت شهر و منابع آب را بیان نموده است. در نظام سیاسی مدینه عاده، نظام سیاسی، قوانین و مدیریت شهری را مورد نظر قرار داده است. از نظر ایشان،

اعتبار حکومت و حاکمیت به عادلانه بودن و پایه و زیر بنای آن را اخلاق و فضیلت متأثر از شریعت عقل قدسی و ناشی از وحی مبنای اداره جامعه قرار می‌دهد. در نظام اقتصادی شهر، به مبحث اشتغال، بیکاری و منابع مالی شهر پرداخته‌است. در دادشهر ابن‌سینا کاهش و نبود بیکاری و همچنین حمایت ویژه از معلولان و افراد کم‌توان ضرورتی اساسی است. در نظام اجتماعی مدینه عادلانه، اصول مشارکت، عدالت، تقسیم کار اجتماعی و تفاضل اجتماعی به‌عنوان عامل بقای زندگی مدنی و اجتماعی و تحقق مطلوب‌ترین حالت ممکن برای اجتماع مورد نظر قرار گرفته‌است. کاربست اصول و زمینه‌های فکری ابن‌سینا در آرمان‌شهر مدینه عادلانه می‌تواند زمینه‌های لازم در تدوین برخی از چارچوب‌های نظری و عملی منطبق با مختصات و پیچیدگی‌های شهرهای امروزی در حوزه‌های حقوق، قوانین، تشکیلات اجرایی و برنامه‌های توسعه را فراهم کند.

منابع

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵)، *اشارات و تنبیهات*، ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۶)، *الهیات من کتاب الشفاء*، تحقیق حسن زاده آملی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹)، *ترجمه رساله السیاسه ابوعلی سینا*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۷)، *قانون در طب*، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، چاپ نهم، انتشارات سروش، جلد اول.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۹)، «نظریه عدالت در فلسفه سیاسی بوعلی سینا»، *نشریه نامه فلسفه*، شماره ۹: ۱۲۱-۱۳۴.
- اذکائی، پرویز (۱۳۸۳)، «دادشهر ابن‌سینا»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ابن‌سینا: ۲۱-۱.
- حجازی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۰)، «کار ویژه‌های حکومت در فلسفه سیاسی ابن‌سینا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد تهران واحد مرکز.
- عسکری سلیمانی امیری (۱۳۹۳)، «معیار برهان صدیقین (بررسی تطبیقی بر برهان ابن‌سینا، ملاصدرا و علامه طباطبایی)»، *فصلنامه علمی تخصصی حکمت اسلامی*، سال اول، شماره اول: ۱۰۱-۱۲۱.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نشر نی.

- مبلغی، عبدالمجید؛ محمدی کیا، طیبه (۱۳۹۴)، «نگاهی به آرمان‌شهر سینوی»، دو فصل‌نامه حکمت سینوی (مشکوه‌النور)، سال نوزدهم، شماره ۵۳، بهار و تابستان: ۱۳۰-۱۱۱.
- محمدی کیا، طیبه (۱۳۸۶)، «مفهوم نبی و جایگاه آن در فلسفه سیاسی ابن‌سینا»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، شماره ۳۷: ۱۷۰-۱۴۱.
- مؤمنی، هادی؛ اکبری نسب، حسین (۱۳۹۵)، بررسی رویکردهای زیبایی‌شناختی در تفکر اسلامی (با تکیه بر آرای ابن حزم، ابن‌سینا، ابن‌رشد و ابن‌هیثم)، کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مفتح شهرری: ۱۶-۱.
- نفیسی، محمود (۱۳۶۸)، سیری در اندیشه‌های اجتماعی مسلمین، چاپ اول، تهران: انتشارات امیری.
- نوفل، علیرضا؛ کلبادی، پازین و پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸)، بررسی و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت شهر (نمونه موردی: محله جلفا شهر اصفهان)، فصلنامه آرمان‌شهر: ۶۹-۵۷.
- واحد فروغ، فروزان؛ سخندان سرخابی، زهرا (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی آرمان‌شهر افلاطون و آرمان‌شهر اسلامی ابن‌سینا»، اولین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی اسلامی و ترسیم سیمای شهری پایدار با گذر از معماری ایرانی اسلامی و هویت گمشده آن، بهمن ماه، زاهدان، ایران: ۹-۱.
- هاشم نژاد، حسین (۱۳۹۲)، زیبایی‌شناسی در آثار ابن‌سینا، شیخ اشراق و صدرالمتألهین، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول.